

فهرست

| | |
|----|--|
| ۱ | به جای مقدمه |
| ۳ | فصل ۱: دستور زبان فارسی |
| ۳ | ۱. پیش‌گفتار |
| ۵ | ۲. دستور زبان |
| ۶ | ۳. فایده دستور زبان |
| ۸ | ۴. شعبه‌های دستور زبان |
| ۸ | ۵. روش ما در دستورنویسی |
| ۹ | ۶. ویژگی‌های دستور ما |
| ۱۰ | ۷. بیان ساده |
| ۱۰ | ۸. وضع اصطلاحات تازه |
| ۱۵ | ۹. تعریف‌های کوتاه |
| ۱۶ | ۱۰. بهره‌گیری از بهترین مأخذها |
| ۱۷ | ۱۱. توجه به روش‌های جدید دستوری |
| ۱۹ | ۱۲. درباره زبان‌شناسی و دستور |
| ۲۲ | ۱۳. پرهیز از تقلید و اقتباس و ترجمه صرف |
| ۲۴ | ۱۴. بهره‌گیری از سنت‌های پسندیده دستورنویسی در ایران |
| ۲۴ | ۱۵. بهره‌گیری عملی از دستور |
| ۲۶ | ۱۶. دستور و لغت‌نویسی |
| ۳۰ | ۱۷. نقص دستورهای فارسی |
| ۳۸ | ۱۸. پایان مقال |
| ۴۱ | فصل ۲: نقش زبان فارسی در تبیین و جهت‌دهی هویت ملی ایرانی |
| ۴۱ | ۱. مقدمه |
| ۴۳ | ۲. مثلث هویتی و مشکلات عدم ثبات |
| ۴۵ | ۳. ایجاد دانشگاه پهلوی |
| ۴۷ | ۴. آموزش زبان خارجی به عنوان وسیله تعلیم موضوعات درسی در دانشگاه‌ها و... |

| | | |
|-----|-------|--|
| ۴۸ | | ۵. دین، نژاد و قومیت |
| ۵۱ | | ۶. آموزش و پرورش زبان فارسی |
| ۵۵ | | ۷. زبان و ادبیات |
| ۵۶ | | ۸. ایجاد فرهنگستان‌ها |
| ۵۷ | | ۹. برخورد با زبان‌های قومی و گویش‌ها |
| ۶۳ | | ۱۰. زبان و اینترنت |
| ۶۵ | | ۱۱. نتیجه‌گیری کلی |
| ۶۹ | | فصل ۳: مسائل چندزبانگی و آموزش زبان فارسی رسمی در ایران |
| ۶۹ | | ۱. مقدمه |
| ۷۰ | | ۲. اهداف کلی آموزش زبان فارسی در ایران |
| ۷۴ | | ۳. اهداف رفتاری |
| ۷۴ | | ۴. محتوا و روش آموزش |
| ۸۵ | | ۵. پیشنهادها |
| ۸۹ | | فصل ۴: نکاتی چند در باب کیفیت آموزش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه .. |
| ۹۵ | | فصل ۵: نسبت زبان‌شناسی و خبر |
| ۹۵ | | ۱. مقدمه |
| ۹۵ | | ۲. تعریف زبان‌شناسی، زبان و کاربرد |
| ۱۰۱ | | ۳. خبر و توصیف و توجیه آن |
| ۱۰۷ | | ۴. تکمله و نتیجه‌گیری |
| ۱۱۱ | | فصل ۶: کلام خاموش: تحلیل هنر کلام دینی و عرفانی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی |
| ۱۱۱ | | ۱. مقدمه |
| ۱۱۵ | | ۲. هدف |
| ۱۱۶ | | ۳. اهمیت پژوهش |
| ۱۱۷ | | ۴. شیوه پژوهش |
| ۱۱۸ | | ۵. توضیح بیشتر مؤلفه‌های الگوی تحلیل |
| ۱۲۴ | | ۶. اظهار با قرینه لفظی |
| ۱۲۶ | | ۷. نتیجه‌گیری و تکمله |
| ۱۳۱ | | فصل ۷: معرفی کتاب: اشاراتی به نیاز به علوم انسانی بومی و برنامه‌ریزی برای پیشرفت |
| ۱۳۱ | | ۱. مقدمه |
| ۱۳۱ | | ۲. ساخت و محتوای کتاب |
| ۱۳۲ | | ۳. علوم انسانی و نیاز جامعه |
| ۱۳۷ | | ۴. نتیجه‌گیری |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

به جای مقدمه

در گیر و دار آماده کردن مسودّه‌ای تحت عنوان زبان در عرصه‌های ذهن و جامعه برای چاپ، یادداشتی بی‌امضا و کوتاه از طریق پست از تهران به دستم رسید. مضمون آن این بود که «دکتر خسرو فرشیدورد در خانه سالمندان نیکان درگذشت. این خبر را به دیگران برسانید». بلافاصله این بیت حافظ در ذهنم نقش بست:

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارم جانم بسوختی و به دل دوست دارم
دکتر فرشیدورد یک لحظه از عمر خود را بیهوده تلف نکرد. تا نفس داشت می‌نوشت و خوش می‌نوشت. من هر چه می‌نوشت می‌خواندم. چند باری هم ایشان را در کنفرانس‌ها ملاقات کردم. بسیار مهربان و بامحبت بود. من کلمه‌ای درباره زندگی این مرد بزرگ نمی‌خواهم بگویم. باز از حافظ شیراز مدد می‌گیرم.

پیر دردی‌کش ما گرچه ندارد زر و زور

خوش عطا بخش و خطاپوش خدایی دارد

من که در شیراز هستم چه کار می‌توانم بکنم؟ تصمیم گرفتیم به یاد ایشان خلاصه‌ای از پیش‌گفتار ویراستاری شده کتاب ارزنده ایشان را تحت عنوان گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی (۱۳۷۵) از انتشارات امیرکبیر که خود می‌تواند مقاله‌ای کامل به حساب آید، در آغاز این وجیزه بیاورم، به امید اینکه هر که این سطور را بخواند، فاتحه‌ای نثار

روح پرفتوح ایشان بنماید. در ضمن یکی از اشعار وطنی آقای دکتر نیز در پایان درج می‌گردد.

ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم ز آنج آستین کوتاه دست دراز کرد

این پیش‌گفتار نیاز به پیش‌گفته دیگری ندارد و کاملاً گویاست و کلاً در باب دستور و دست‌نویسی در ایران است و بدون شک در نوع خود نمونه است. پیش‌گفتار ایشان پیش‌گفتار این نوشته نیز تلقی می‌شود که فصل اول را نیز شامل می‌گردد. فصل‌های دوم و سوم به کارکردهای زبان در عرصه جامعه عنایت دارد و به‌خصوص بر نقش زبان فارسی در تبیین هویت ملی ایران تأکید می‌ورزد. فصل دوم به عنوان مقاله در کنفرانس پیرامون هویت ملی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز در سال ۱۳۹۱ ارائه شده است و امروزه ما در این باب با دغدغه‌های فکری روبرو هستیم. فصل سوم را هم می‌توان مکمل فصل دوم دانست که با اینکه سال‌های پیش در مجله رشد سال ۱۳۷۱ چاپ شده مطالب آن از بسیاری از جهات تازگی دارد. فصل چهارم در اولین نشست آموزشی دانشگاه شیراز در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۷۹ ارائه شده است. فصل پنجم با عنوان نسبت زبان‌شناسی و خبر در مجله افق سال پنجم شماره ۵۰ (یعنی ماهنامه تخصصی آموزش معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) در فروردین ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است.

فصل ششم، تحت عنوان کلام خاموش: تحلیل هنر کلام دینی و عرفانی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، که در سال ۱۳۹۰ در سمیناری در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ارائه شد.

آخرین بخش به عنوان فصل هفتم مجموعه معرفی کتاب علوم انسانی و برنامه توسعه اثر آقای دکتر رضا داوری اردکانی (۱۳۸۹) رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران که ضمن آن اشاراتی نیز به نیاز به علوم انسانی بومی در ایران آمده است.

از سرکار خانم خاک‌رنگین نیز که این سطور را با دقت همیشگی حروف‌نگاری کرده‌اند سپاسگزارم.

امیدوارم وقت خواننده این سطور را تلف نکرده باشم.

فصل ۱

دستور زبان فارسی*

۱. پیش‌گفتار

سی و پنج سال پیش که در دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران مطالعه در دستور را آغاز کردم بهار سرسبز در کنار من بود ولی امروز که این کلمات را بر روی کاغذ می‌آورم زمستان سپیدفام سالخوردگی همراه و دمساز من است. آن روزگار حتی یک موی سپید هم نداشتم ولی امروز حتی یک موی سیاه بر سرم نیست. آن زمان دست‌کم روزی ده ساعت مدام کار می‌کردم، اما حالا جز روزی چند ساعت نمی‌توانم بخوانم و بنویسم. آن روزها دست و پا و چشم و جسم و مهره‌ها و استخوان‌ها نیرومند و پرتوان بود، ولی امروز نه نوری در چشم نه شوری در سر و نه نیرویی در تن مانده است و «دو دست و دو پای من آهو گرفته است» و بیماری و سال نیرو.

اکنون که این اوراق را سیاه می‌کنم با دردهای مختلفی دست به گریبانم که به من نهیب می‌زنند و مرا نزد یاران رفته باز می‌خوانند. من هم به یاد آن عزیزان با اشک حسرت چنین زمزمه می‌کنم:

افسوس که بی‌فایده فرسوده شدیم از داس سپهر سرنگون سوده شدیم
دردا و ندامتا که تا چشم زدیم نابوده به کام خویش نابوده شدیم

* این فصل پیش‌گفتار ویراستاری شدهٔ کتاب گفتارهایی دربارهٔ دستور زبان فارسی از دکتر فرشیدورد (۱۳۷۵) است.

دریغ که از سرمایه جوانی جز انبوهی کتاب و مقاله و یادداشت چیزی برای من باقی نمانده است. اما باز شادم که سلامت و چشم و جسم و جان را بر سر زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران نهاده‌ام نه در راهی دیگر. باری پرداختن به دستور و نوشتن این کتاب دلایلی چند داشته است از این قرار:

۱. یکی اینکه از دوران دبیرستان به درس‌های استدلالی مانند ریاضیات و فیزیک عشق می‌ورزیدم و دستور را هم ریاضیات زبان می‌دانستم و از عهد نوجوانی تاکنون به آن پرداخته‌ام.
 ۲. سال‌هاست که در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران دستور تفصیلی تاریخی^۱ و تطوری و همزمانی^۲ را درس داده‌ام و چون کتاب مدونی تنظیم نکرده بودم و تنها مقالات چاپ شده یا چاپ نشده‌ای در اختیار دانشجویان عزیز قرار می‌دادم، پس از این دوران طولانی لازم بود این درس‌ها را به صورت اثری مستقل درآورم تا نیاز شاگردانم را برطرف سازم؛ از این رو کتاب را که حاصل سی و پنج سال رنج من بود نوشتم.
 ۳. میل داشتم تحقیقات دستوری از ممالک بیگانه یعنی از شبه‌قاره هند و فرنگ به ایران منتقل شود و بهترین پژوهش‌های این فن در سرزمین خود ما صورت گیرد، به این سبب من هم مانند برخی دیگر از استادان در این راه یعنی در راه استقلال دستوری و فرهنگی کشور گام نهادم، باشد تا در این رشته هم ما روی پای خود بایستیم.
- توضیح اینکه تا چندی پیش بهترین پژوهش‌های جدید ایرانی مانند دستور و تاریخ ادبیات و لغت و تصحیح متون و زبان‌های پیش از اسلام مثل پهلوی و اوستا و فارسی باستان در سرزمین‌های بیگانه یعنی در شبه‌قاره هند و فرنگ صورت می‌گرفت ولی از اوایل قرن

1. historical grammar(e), grammaire historique(f) 2. synchronic.

حاضر گروهی از فرزندان برومند این مرز و بوم دامن همت به کمر زدند و این حصار و انحصار را در هم شکستند و بخشی از تحقیقات ایرانی را از خارج به ایران منتقل کردند. علامه دهخدا و دکتر محمد معین لغت‌نویسی، استاد فروزانفر و دکتر صفا و دکتر زرین کوب تاریخ ادبیات را، علامه قزوینی و استاد همائی و مدرس رضوی و برخی دیگر تصحیح متون را در این سرزمین زنده کردند و جلوی این سرشکستگی ادبی و فرهنگی را گرفتند و نگذاشتند که اروپاییان حتی در ادبیات فارسی و زبان‌شناسی ایرانی هم از ما پیش افتند. من هم که پیرو و شاگرد آن بزرگانم راه آنان را در پیش گرفتم و بر آن شدم که انحصار دستور زبان فارسی را از چنگ بیگانگان به در آورم، از این رو با بذل نور چشم و شیرۀ جان در این جهاد فرهنگی شرکت کردم و با نوشتن هزاران صفحه کتاب و مقاله این راه را هموار ساختم، باشد که پژوهش‌های دستوری هم از خارج به ایران منتقل شود. البته تحقیقات ایران‌شناسی و دستوری غربیان هنوز هم ادامه دارد و در خور قدردانی‌ست و برای پیشرفت فرهنگی ما مفید است.

باری من در این راه دستورهای فرانسه و انگلیسی و عربی را خواندم، فارسی باستان و پهلوی و زبان اوستایی و زبان‌شناسی جدید را فرا گرفتم، هزاران صفحه از متون گذشته و حال فارسی را زیر و رو کردم، لذات مادی و جسمی را کنار گذاشتم و نقد عمر دریاختم، باشد که در راه استقلال علمی و فرهنگی کشورم گامی هر چند ناچیز برداشته باشم.

۲. دستور زبان

دستور زبان بخشی است از زبان‌شناسی که درباره ساختمان آوایی، صرفی، نحوی و معنایی زبان بحث می‌کند. از دستور و زبان‌شناسی می‌توان در فراگرفتن زبان نیز بهره گرفت.

دستور شامل سه بخش عمده است:

۱. آواشناسی^۱ ۲. صرف (سازه شناسی) ۳. نحو^۲

یادآوری: برخی مانند پیروان زبان‌شناسی تولیدی-تبدیلی، دستور زبان را شامل آواشناسی و نحو و معنی شناسی می‌دانند. اینان صرف و سازه شناسی و سازه‌ها را بخشی از ساخت آوایی زبان می‌شمارند.^۳ اما حق این است که به شیوه پیشینیان و زبان‌شناسان دیگر، صرف را از آواشناسی جدا سازیم و معنی‌شناسی را هم در دستور به اختصار مورد بحث قرار دهیم و دستور را به چهار بخش تقسیم کنیم: دو بخش اصلی شامل صرف و نحو و دو بخش الحاقی مشتمل بر آواشناسی و معنی‌شناسی. چون آواشناسی و معنی‌شناسی امروز خود دو رشته مستقل‌اند، ما در دستورهای خود بیشتر به دو مبحث اصلی یعنی صرف و نحو می‌پردازیم و تنها اشاره‌ای هم به آواها و اصوات زبان فارسی می‌کنیم و بحث معنی را به معنی‌شناسان وا می‌گذاریم.

باری دستور زبان یکی از مهم‌ترین رشته‌های زبان‌شناسی و به نظر برخی دیگر از سه شعبه مهم این علم است (دو رشته پراهمیت دیگر آن عبارت‌اند از لغت‌شناسی^۴ و آواشناسی).

۳. فایده دستور زبان

درباره دستور دو نوع مبالغه می‌شود یکی از طرف افرادی که آن را علمی بیهوده و بی‌فایده می‌دانند و دیگر به وسیله کسانی که آن را فن «درست گفتن و درست نوشتن» و پایه زبان‌آموزی و درست‌نویسی می‌پندارند. ولی چنانکه نوشته‌ایم چنین نیست زیرا دستور زبان نه فن درست گفتن و درست نوشتن است و نه دانشی است بی‌فایده، چه دستور این فایده‌ها را دارد:

1. phonétique(f), phonetics(e). 2. syntaxe(f), syntax(e).

۳. مهدی مشکوة‌الدینی، ساخت آوایی زبان، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸.

4. lexicologie(f), lexicology(e).